

بهبود سیمای کسب و کار در سکونت گاه های غیر رسمی با رویکرد مهارت آموزی: مطالعه موردی شهرستان سنندج

سید جمیل احمدی^۱

رضا محمد کاظمی*^۲

صلاح الدین قسیمی^۳

چکیده :

سکونت گاه های غیر رسمی یکی از پیامدهای نامطلوب اصلی شهرها می باشد که زیست غیررسمی را در بعد کالبدی برای شهرها با خود به همراه دارد هدف از انجام این پژوهش تعیین نقش آموزش های فنی و حرفه ای در بهبود سیمای کسب و کار در سکونت گاه های غیر رسمی می باشد. روش بررسی توصیفی با رویکرد پیمایشی است و جامعه آماری تمامی اساتید، صاحبانظران و متخصصان و افرادی هستند که دارای سابقه و فعالیت در بخش سکونت گاه های غیر رسمی را دارند که بر اساس نمونه گیری و با استفاده از نرم افزار GPower تعداد ۲۳۱ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که پرسشنامه محقق ساخته دارای روایی و پایایی در بین آنها توزیع و نتایج داده ها در دو بخش توصیفی و استنباطی تحلیل گشت. یافته ها بیانگر آن است که آموزش فنی و حرفه ای منجر به توانمند سازی زنان و گرایش به سمت مشاغل خانگی در سکونت گاه های غیر رسمی خواهد شد و همچنین ارائه آموزش های مهارتی در زمینه کارآفرینی و کسب و کار و مهارت های مرتبط با مدیریت فنی و بازاریابی می تواند در بهبود وضعیت ارائه محصول در این مناطق نتایج اثرگذاری را به دنبال داشته باشد. نتایج بیانگر آن است که مهارت آموزی و ارائه آموزش های فنی و حرفه ای یکی از راهکارهای بهبود سیمای مشاغل و کاهش فقر اقتصادی در سکونت گاه های غیر رسمی باشد که این موضوع نیازمند همکاری و همگرایی بیشتر سازمان ها در توسعه نظام آموزش مهارتی در این بخش می باشد.

کلید واژگان: سکونت گاه غیر رسمی - آموزش فنی و حرفه ای - کسب و کار - مشاغل خانگی - مهارت آموزی

^۱ گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

^۲ استاد دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، تهران، ایران. *نویسنده مسئول R_mkazemi@ut.ac.ir

^۳ استادیار دانشگاه آزاد واحد سنندج، کردستان، ایران.

مقدمه :

جمعیت فعلی شهرها تقریباً ۴/۴ میلیارد نفر در سطح جهان می باشد و در حال حاضر حدود ۳/۴ میلیارد نفر در مراکز شهری زندگی می کنند (ساتر وایت و همکاران، ۲۰۲۰). از این تعداد تقریباً ۱ میلیارد نفر در سکونتگاه های غیر رسمی زندگی می کنند (روی و همکاران، ۲۰۱۴). بر اساس گزارش مرکز سکونتگاه های انسانی ملل متحد، مناطق شهری در ۳۰ سال آینده مهمترین کانون رشد جمعیت جهان خواهند بود و با این افزایش جمعیت، برنامه ریزان و دولت های کشور های در حال توسعه با چالش نرخ رشد بالای فقر مواجه هستند که یکی از پیامدهای اصلی افزایش فقر در شهرها و شهری شدن فقر، کمبود مسکن و شکل گیری فزاینده سکونتگاه های غیر رسمی است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲) و از طرفی دیگر سکونتگاه های غیررسمی یکی از نمودهای بارز زیست غیررسمی در بعد کالبدی و یکی از مهمترین و عمده ترین چالش های دنیای شهری رو به توسعه است (چی و همکاران، ۲۰۲۰).

فرآیند شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه با افزایش تعداد و اندازه شهرها توأم است و این افزایش جمعیت کلان شهرها موجب شکل گیری مسکن غیررسمی، اقتصاد غیررسمی و اسکان غیررسمی شده است (آنگلساریا، ۲۰۰۲) و منجر به الحاق سکونتگاه های همسایه می گردد (کوهن ۲، ۲۰۰۶؛ باهوگ و یوردال، ۲۰۱۲). به طوری که می توان گفت تشکیل زاغه در سطح جهان نشانه ای از کمبود مسکن یا هزینه تحمل ناپذیر مسکن رسمی است (ربکاه و دیگران، ۲۰۱۸). این مکان ها گریبان گیر چالش ها و مسائل متعددی از جمله فقر اقتصادی- اجتماعی، آسیب پذیری، مسائل بهداشتی، امنیت و جرایم، فقر زیستی و کالبدی هستند و عدم توجه به بحث عدالت فضایی و اجتماعی- اقتصادی و محیطی در رابطه با این سکونتگاه های نابسامان بیشترین آسیب بر آن ها وارد کرده است (لی و همکاران، ۲۰۲۰). سکونتگاه های غیررسمی به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات فقر اقتصادی و اجتماعی مانند مهاجرت های زیاد از حد و بدون برنامه ریزی رسمی از روستا به شهر؛ چالش های فرایند مدیریت کلان (ملی) و (شهری)، نبود نگرش آمایش سرزمین و برنامه ریزی منطقه ای شکل گرفتند (مانینا، ۲۰۱۹). که این امر خود چالش عمده ای برای حکمرانی در سراسر جهان است (کواسیک و گیام

پترو، ۲۰۱۷). و یکی از جلوه‌های ضعف مدیریت شهری است. چرا که، مدیریت شهری در برخورد با محلات غیررسمی با مسائلی همچون مشکلات مربوط به مالکیت، بد-مسکنی، رشد روزافزون این گونه بافت‌ها مواجه بوده و فشارهای اجتماعی برای از بین بردن چهره خشن فقر، پیچیدگی‌های قانونی و ضابطه‌های، مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و پیچیدگی روابط درونی این ابعاد با یکدیگر نیز وجود دارد (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳).

موضوع سکونتگاه‌های غیر رسمی در ایران از سال ۱۳۵۰ مورد توجه پژوهشگران بوده و بعد از انقلاب نیز با آغاز جنگ تحمیلی و شدت گرفتن مهاجرت‌ها و افزایش بی رویه جمعیت این موضوع بیشتر مورد توجه قرار گرفت (اسدی، ۱۳۸۹). با رشد شتابان شهری در ایران که معلول مهاجرت افسار گسیخته است، همواره تقسیم محلات و مناطق شهری به مرکز و پیرامون سبب می‌شود که کیفیت و سبک زندگی و استانداردهای مسکن در متن اصلی شهرها با نواحی غیررسمی باهم متفاوت باشد (محلوجی و همکاران، ۱۴۰۰). شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد خود و تفاوت‌هایی که با سایر کشورهای در حال توسعه دارد ریشه در توسعه برون‌زا و رشد بسیار سریع شهرنشینی دارد (سهم‌پور و معروف‌نژاد، ۱۴۰۰). از طرف دیگر، با توجه به اهمیت مباحث توسعه پایدار شهری و تاب‌آوری، ابعاد جدیدی در سکونتگاه‌های غیررسمی پر رنگ شده است که می‌بایست در دستور کار به‌سازی و ارتقا زیست پذیری این سکونتگاه‌ها قرار گیرند (چیراندو و همکاران، ۲۰۱۸).

فقر یکی از شاخص‌های اصلی در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی است و یکی از دلایل انتخاب این مناطق برای زندگی نبود درآمد مناسب می‌باشد که گرایش به سمت ناهنجاری و همچنین میل به بزه را در سکونت‌گاه‌ها افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر سکونت‌گاه‌های غیر رسمی به عنوان الگویی از فقر شهری با محرومیت زیادی روبه‌رو هستند از جمله چالش‌های روزمره آنها محدودیت دسترسی به فرصت‌های اشتغال و درآمد، کمبود خدمات و مسکن ناامن، محیط خشن و ناسالم، نبود سازوکار حمایت اجتماعی و محرومیت دسترسی به فرصت‌های آموزش و خدمات سلامت کافی است که آسیب‌پذیری آنها از طریق این چالش‌ها تشدید می‌شود و مخاطرات طبیعی نیز به از دست رفتن خدمات اساسی، خسارت دیدن یا تخریب خانه‌ها، از دست رفتن معیشت، سوء تغذیه، بیماری و معلولیت و از دست دادن زندگی منجر می‌شود

(حکیمی و همکاران، ۱۳۹۶). رویکرد توانمندسازی افراد ساکن در این مناطق به عنوان یکی از استراتژی می تواند در بهبود سیمای این مناطق نقش ایفا نماید و این زمانی اتفاق می افتد که افراد این مناطق دارای مهارت بوده و بتوانند از مهارت کسب شده برای بهبود وضعیت اقتصادی خانواده خود از آن بهره برداری نمایند و یکی از ابعاد مهارت افزایی افراد دریافت آموزش های فنی و حرفه ای می باشد. آموزش فنی و حرفه ای مسیر مهمی را برای توسعه یک سیستم آموزش فنی و حرفه ای هماهنگ که قادر به تولید نیروی کار ماهر با کیفیت، با نگرش و ارزش های مناسب برای رشد و شکوفایی بخش های مختلف اقتصاد است، فراهم می کند (لانگات و همکاران، ۲۰۲۱) و یکی از آن راه هایی است که با استفاده از آن به صورت ماهرانه فرد آموزش دیده و فارغ التحصیل آماده تعهد و ورود به هر کسب و کار میگردد (بهروزی، ۲۰۱۴).

با توجه به نکته های یاد شده و به ویژه آن که بخش چشمگیری از جمعیت شهر سنندج در سکونتگاه های به اصطلاح غیر رسمی ساکن هستند، شناخت و سنجش شاخص ها و ویژگی های جمعیتی در سکونتگاه های گوناگون این شهر تصویری واقع بینانه از پدیده ها و برآیندهای جمعیتی را فراروی برنامه ریزان و سیاستگذاران شهری قرار می دهد. از دید نظری نیز، اگر انسان را محور و آرمان توسعه بدانیم و بپذیریم که یک بخش بنیادین و جدایی ناپذیر دستیابی به توسعه، جمعیت و چگونگی ابعاد ایستا و پویای آن است، کنکاش در این جستار ارزش می یابد. بر همین اساس ضروری است تا نقش و جایگاه آموزش های مهارتی را در این مناطق بررسی کرده و از نتایج حاصل از آن برای بهبود وضعیت کسب و کار در سکونت گاه های غیر رسمی استفاده کرد. بر همین اساس هدف از انجام این پژوهش تعیین نقش آموزش های فنی و حرفه ای در بهبود سیمای کسب و کار در سکونت گاه های غیر رسمی می باشد.

مبانی نظری:

به صورت کلی می توان گفت مطالعه در رابطه با سکونتگاه های غیررسمی و مهاجرت به دو رویکرد متمرکز و غیرمتمرکز تقسیم می شود.

رویکردهای متمرکز

دیدگاه بوم شناسی: برخی از مهمترین نظریه پردازان این رویکرد مکینتاش، کلینارد ورث و برگس هستند. دیدگاه بوم شناسی شهری، صحنه شهری را محل تنازع بقا و جای گیری مناسب

تر در بهترین فضای شهری تحلیل می کند در این زمینه ارزست برگس و لويس ورت معتقدند علت شکل گیری مناطق حاشیه نشین تمرکز گروه‌های فقیر در نواحی فاقد خدمات کافی است در نظریه در نظریه کاربری اراضی شهری شکل و نظام فضایی خاصی که شهر به خود می‌گیرد، نتیجه رقابت گروه های مختلف شهری در جهت احراز موقعیت شهر است. در این صورت بازندگان این رقابت به ظهور پدیده هایی نظیر زاغه نشینی، حاشیه نشینی، حلبی آباد و... دامن می‌زند.

دیدگاه لیبرال: در دیدگاه لیبرال مهم ترین دلیل شکل گیری این سکونتگاه ها عامل جمعیتی و مهاجرت است. از نظر این مکتب، در مرحله ای از توسعه جوامع، مازاد نیروی کار و تولید به وجود می آید از این رو موجی از مهاجرت که طبیعی به نظر می رسد از روستا به شهرها آغاز می شود. این جمعیت وقتی به شهر می رسد به دلیل عدم توازن پاسخ گویی شهر در زمینه اشتغال و مسکن، به ناچار در سکونتگاه های غیر رسمی سکنی می‌گزیند (نیک نام و موسوی، ۱۳۸۹: ۲۱). در دیدگاه لیبرالی پدیده حاشیه نشینی به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و به دنبال راهکارهای بهینه سازی شرایط زندگی در مناطق حاشیه نشین هستند و با اعطای زمین به اشکال مختلف، دادن وام و کنترل دولتی زمین، موضوع را خاتمه یافته تلقی می نمایند (حیدری نو شهر، ۱۳۹۰).

دیدگاه رادیکال: بنیادگراها برخلاف لیبرال ها، دلیل گسترش سکونتگاه های غیررسمی را در عوامل خارجی جست و جو می کنند. از نظر آنان وابستگی کشورهای در حال توسعه به کشورهای پیشرفته در نظام جهانی باعث می شود این کشورها نقش تأمین کننده مواد غذایی را از دست داده و تبدیل به وارد کننده، شوند. (حاج یوسفی، ۱۳۸۱).

دیدگاه رادیکال شقوق و مباحث مختلفی را در بر می‌گیرد و خود شامل چند دیدگاه است. از جمله: اقتصاد سیاسی فضا، دیدگاه مارکسیستی و نئومارکسیست ها. از نمایندگان شاخص مکتب رادیکال می‌توان به دیوید هاروی و مانوئل کاستلز اشاره کرد که معتقدند محیط‌های شهری نمایانگر تحلیلات نمادین و فضایی نیروهای اجتماعی کلی ترند و شکل فیزیکی شهرها هم محصول نیروی بازار و قدرت دولت است. کاستلز از روشن فکران اسپانیایی مارکسیست است این تأثیر را همواره در آثار خود حتی تا امروز حفظ کرده است او نیز مانند اکثر دانشمندان

آمریکای لاتین حاشیه‌نشینی شهری را مولود نامه نابرابری های اقتصادی- اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون و انتقال فقر روستایی به فقر شهری می‌داند. به نظر آنها جنبش های اجتماعی شهری در دوره مدرن با سه موضوع اساسی شکل می‌گیرند: تقاضا برای مصرف جمعی، دفاع از هویت فرهنگی و بسیار بسیج سیاسی با تاکید و نقش حکومت محلی (باقری و خانی، ۱۳۹۸).

دیدگاه شهر سازی: حاشیه‌نشینی نوعی اسکان غیررسمی و شیوه‌ای از سکونت موقت تلقی می‌شود که در خارج از محدوده‌های شهری در زمین‌هایی که برای توسعه شهری پیش بینی نشده اند، شکل می‌گیرد با ساخت و ساز غیر قانونی و تغییر کاربری زمین های کشاورزی همراه است. از دیدگاه توانمندسازی، راهبرد توانمند سازی مناسب‌ترین راه حل در ساماندهی حاشیه نشینی است. این راهبرد بر بهبودی زن شرایط زندگی جوامع فقیر تاکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که محل زندگی خود را با توجه به نیازهای شان بهبود بخشند (قادری و همکاران، ۱۳۹۷).

رویکردهای غیرمتمرکز

دیدگاه‌های مهاجرت: راونشتاین (۱۸۸۰) نظریه خود را چنین بیان می‌کند که مجموعه‌ای از قواعد مهاجرتی وجود دارد. این قوانین شامل مجموعه‌ای از قوانین مهاجرت در مورد مشخصات مهاجران، انگیزه آن‌ها و الگوهای مهاجرت هستند. میه‌رتو (۲۰۱۱) معتقد است افراد بومی شهر ها کمتر از آنهایی که در قسمت‌های روستایی کشور هستند مهاجرت می‌کنند. از این رو در جریان های مهاجرت داخلی خالص، معمولا مهاجرت از روستا به شهر بیشتر است (میه‌رتو، ۲۰۱۱).

دیدگاه های هویت مکان و محله: هولودو هویت مکان را در ارتباط بسیار نزدیک با هویت فردی و مبتنی بر توانایی ارائه روایتی مشخص و پایدار از احساس خود می‌داند. شکل گیری هویت محله، فرآیندی ادراکی و شناختی مبنی بر قیاس و انطباق دائم میان عینیت و ذهنیت با هدف تعریف چیستی و کیستی خود از نقطه نظر پیوستگی ها و در واقع دلبستگی احساسی به محیط‌های خاصی است (هولودو، ۲۰۲۰). ویلسون بر این باور است در فضای طبیعی رفتار، کنش های افراد به واسطه جایی که زندگی می‌کنند، شکل می‌گیرد خصوصیات محله وضعیت

هنجاری را ایجاد می‌کند که زندگی می‌کنند شکل می‌گیرد و خصوصیات محله وضعیت هنجاری را ایجاد می‌کند که به عنوان رفتار قابل قبول مطرح است (باقری و خانی، ۱۳۹۸).

دیدگاه‌های طرد اجتماعی: برگمن طرد اجتماعی را پیامد از پا افتادن یا کارکرد نادرست نظام‌های اصلی اجتماعی می‌داند که می‌بایست حقوق شهروندی را تضمین کنند که شامل از کار افتادن هر یک از نظام‌ها می‌شود در نهایت می‌توان گفت طرد اجتماعی ضمن آنکه فقر و محرومیت را به دنبال می‌آورد به عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، عدم حضور در انجمن‌ها، نداشتن رابطه و رضایت از دیگران و احساس تنهایی منجر می‌شود (غفاری و امیدی، ۱۳۹۰).

جدول شماره ۱- دلایل تشکیل اسکان‌های غیررسمی در کشورهای در حال توسعه از نظرگاه مکاتب مرتبط با مهاجرت

مکاتب غالب	دلایل ایجاد اسکان غیررسمی
لیبرال	افزایش ناگهانی جمعیتی و مهاجرت از شهرها به روستا
بنیادگراها	وابستگی برون‌زای کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته، گذار از مرحله کشاورزی به دوره صنعتی کم‌شدن فرصت‌های شغلی در روستاها و مهاجرت روستاییان بی‌کار به شهرها
جامعه‌گرا و جامعه‌گرایان جدید	روند طبیعی تضاد میان کار و سرمایه و انباشت سرمایه، رشد ناموزون اقتصادی و بروز تضادهای اجتماعی (تضاد بین زندگی شهری و روستایی، تضاد طبقاتی و...)

منبع: داداش پور و علیزاده، ۱۳۹۰

رابطه بین مهاجرت، بیکاری و اسکان غیررسمی

اولین مرحله در مسیر فرایند شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی مهاجرت طبقه کم‌درآمد شهری و مهاجران روستایی بنابر دلایل مختلف که از طریق بازار رسمی نتوانستند سرپناهی برای خود تهیه کنند نیاز خود را از طریق بازار غیررسمی برطرف می‌کنند. برخی از این ویژگی‌ها در میان تمام سکونتگاه‌های غیررسمی مشترک و برخی در هریک، متفاوت از سایر سکونتگاه‌ها می‌باشد. مطالعه تفاوت‌ها و شباهت‌های سکونتگاه‌های غیررسمی در شناخت صحیح علل

پیدایش و ازدیاد آنها، تشخیص اولویت ها و نیز انتخاب بهترین راهکار ضروری است (ویکز و همکاران، ۲۰۱۱). با این حال، بیکاری و مهاجرت بر یکدیگر تأثیرات متقابلی دارند، چرا که از یک سو توزیع ناعادلانهٔ امکانات و خدمات به ظهور بیکاری و نبودن شغل برای افراد جویای کار منجر می شود و از سوی دیگر عدم اشتغال به بخش انبوهی از نیروی کار فشار وارد می آورد و آنها را ناچار می سازد به منظور رسیدن به حداقل امکانات زندگی، موطن خود را ترک و به دنبال کار به شهرها مهاجرت کنند (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۳).

دیدگاه های مرتبط با اسکان غیررسمی و فقیرنشین

توزیع نامناسب جمعیت در سطح و اطراف شهرها و جانمایی قارچ گونه سکونتگاه های غیررسمی بدون مدیریت چنین وضعیتی به مشکلات زیادی در مدیریت شهری بویژه: تأمین زیر ساخت های شهری و افزایش اراضی بلا استفاده، سهم بالای فضاهای باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش های شهری و جدایی گزینی اجتماعی دامن می زند (هس، ۲۰۰۱) در واقع یکی از مهم ترین مشکلات در این زمینه پیدایش سکونتگاه های غیررسمی می باشد. رشد و توسعه بی تناسب شهرها و تراکم های خارج از اندازه، منجر به پدیده های ماندند سکونتگاه های غیررسمی شده است (شیعه، ۱۳۸۰). سکونتگاه های غیر رسمی یا سکونتگاه های خودرو از مشکلات پیش روی شهرهای کنونی به خصوص در سطوح محلی می باشد. سکونتگاه های غیررسمی غالباً چون هاله ای گرداگرد شهر را در بر می گیرند. که این نقاط پیراشهری بیشترین نقش را در از دست رفتن محصولات کشاورزی و بیکاری روستایی دارند که این دو مساله عمده، خود به وجود آورنده مشکلات دیگری است (آلن، ۲۰۰۳). این مشکلات به صورت مولفه های چون: "فقر، کمبود فرصت های اقتصادی، محرومیت اجتماعی، کاستی در امکانات عمومی، فقدان آزادی های سیاسی و..." نمود می یابند (مصلی نژاد، ۱۳۸۴).

دیدگاه	ویژگی اساسی	راهکارهای ساماندهی
اکولوژی بوم شناختی	توجه سازوکار پیدایش حاشیه نشینی با توجه به بافت فیزیکی	حذف، جمع آوری و یا پاکسازی در روال رشد طبیعی شهر

نیازهای اساسی	علت اصلی پیدایش و گسترش اسکان غیر رسمی، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن در پاسخ گویی به قشر کم درآمد جامعه شهری است	حاشیه نشینی را امری طبیعی و عادی تلقی می نماید، بنابراین اسکان غیر رسمی به طور نسبی اجتناب ناپذیر است
نگرش سیستمی	اسکان غیر رسمی محصول روابط نابرابر عناصر اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری در جریان عملکرد سیستم شهری است	ایجاد تعادل بین عناصر سیستم شهری و حذف نیروهایی که منجر به بی نظمی می شود
اقتصاد سیاسی فضا	اسکان غیر رسمی محصول مستقیم روابط سرمایه داری، انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران می شود	حل مسأله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید و توزیع و مصرف یعنی ساخت اقتصادی و سرانجام تغییر بنیادین جوامع جستجو می کند
لیبرالی	تحلیل پیدایش سکونتگاه های غیر رسمی با استفاده از قوانین بازار (پیش افتادن تقاضا از عرضه)، تأیید نظام اقتصادی موجود	تغییر تدریجی در نظام اقتصادی (تأکید الگوی رشد اقتصادی نامتعادل)
رادیکالی	شکل گیری اسکان غیر رسمی در جهان سوم معلول مناسبات و روابط بین المللی قدرت های مسلط جهانی از ویژگی های ملی، ادغام اقتصادهای جهان سوم در اقتصاد سرمایه داری و شدن جوامع در قالب مرکز و قطبی شدن درونی جوامع یعنی اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر	به دنبال چاره های اساسی با تغییر در ساختار جامعه (اگر نظام کلان اصلاح نشود؛ نظام های خرد قابل اصلاح نیستند) درگیر بهبود وضعیت اجتماعات ساکن در شکل های غیر رسمی شده است و به سازماندهی اجتماعی برای جنبش های سیاسی تکیه دارد.
توانمند سازی	اسکان غیر رسمی را به عنوان یک واقعیت پذیرفته است و به دنبال راهکارها و راه حل های بهینه سازی شرایط زندگی و سکونت است	دولت باید زمینه بهبود مسکن خودیار را فراهم سازد و به جای تخریب و مقابله، راه حل های مبتنی بر توانمند سازی، ساماندهی و به سازی کانون های حاشیه ای را هدف قرار دهد

منبع: پاک نژاد، ۱۳۹۹

از آنجا که دیدگاه‌های مختلفی درباره چرایی توسعه فضایی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی مطرح شده است. براساس این دیدگاه‌ها، دلایل یا عوامل شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها را می‌توان به سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و طبیعی تقسیم کرد. دلایل سیاسی را می‌توان به نوع نظام سیاسی، ساختار و سیاست‌های دولت و توزیع سیاسی و فضایی قدرت؛ دلایل اجتماعی را به طبقه بندی و قشر بندی، تقسیم کار، باورها، ارزش‌ها و

هنجارهای اجتماعی، میزان و توزیع خدمات و شهری شدن؛ دلایل اقتصادی را به نفع اقتصاد، ترکیب بخش‌های اقتصادی، روابط تولیدی و ساختار و توزیع منابع و فرصت‌ها؛ دلایل کالبدی را به میزان، کیفیت و توزیع فضایی این نوع زیرساخت‌ها و امکانات و دلایل طبیعی را به نوع و میزان همگنی، تفاوت‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مناطق جغرافیایی اطلاق نمود (کمان‌رودی و همکاران، ۱۳۹۳). این عوامل تأثیر متقابل، هم‌افزا و تعدیل‌کننده دارند، اما نقش هر کدام از آن‌ها نسبت به هم در توسعه فضایی و شکل‌گیری اسکان غیررسمی در جوامع مختلف متفاوت است. همچنین، با افزایش توسعه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی از میزان تأثیرگذاری عامل محیطی کاسته می‌شود. به طور کلی، نقش عامل اقتصاد در جوامع توسعه یافته و حائز طبقه‌بندی و تقسیم کار اجتماعی و عامل سیاست در جوامع در حال توسعه و فاقد طبقه‌بندی و تقسیم کار اجتماعی در توسعه فضایی بیشتر است (کمان‌رودی، ۱۳۸۵)، با این حال خلاصه دیدگاه‌ها و شاخص‌ها و معیارهای شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در جدول شماره ۳- به شکل خلاصه وار ارائه گردیده است.

جدول شماره ۳- شاخص‌ها و معیارهای شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی

دیدگاه	شاخص‌ها و معیارهای شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی
دیدگاه اکولوژی	تغییر در نحوه استفاده از زمین (تغییر کاربری)، کمبود مسکن و عدم تعمیر و نگهداری صحیح آن، مهاجرت کارگران روستایی به شهر
دوره تسلسل فقر و حاشیه‌نشینی	عدم سرمایه‌گذاری به منظور توسعه اشتغال، مهاجرت روستاییان به شهرها
دیدگاه نیازهای اساسی	عدم برآورده شدن نیاز اجتماعی، مهاجرت روستاییان به شهرها، عدم امکان تأمین مسکن توسط فقرای شهری، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن
دیدگاه لیبرال	جمعیت زیاد خانوارهای فقیرنشین، بی‌انگیزگی، جبری‌گری، رضایت‌مندی‌آنی و بی‌نظمی اجتماعی در میان فقیرنشینان شهری، مهاجرین نورسیده به منظور یافتن شغل، گسترش شکاف فقر و عوامل کلان اقتصادی، نبود نظارت و شرایط کار در جامعه صنعتی
دیدگاه رادیکال	شکاف زیاد بین فقیر و غنی در شهر به دلیل ضعف نظام نامتعادل سرمایه‌داری، سطح پایین دستمزدهای کارگران، اراده‌ی سرمایه‌داری برای مقابله با گرایش فزاینده‌ی کاهش سطح مصرف در اقتصاد سرمایه‌داری، کاهش سرمایه‌گذاری در تجهیزات و امکانات زیربنایی
مکتب وابستگی	وابستگی مرکز به پیرامون، افزایش شهرنشینی و رشد شهرها
دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا	روابط بین طبقات اجتماعی یا به بیان دیگر بهره‌کشی از طبقات پایین، تجمع ثروت و قدرت در یک شهر و یا بخش خاصی از شهر، جابه‌جایی‌های عظیم و مهاجرت روستاییان به شهر

دیدگاه لیبرال جدید	دیدگاه های استعماری نسبت به شهرها و سلب مالکیت، مشکل قوانین و مقررات که سبب به حاشیه رانده شدن اقتصاد و در پی آن کارگران می شود، هزینه های زیاد رسمی شدن
--------------------	--

منبع: کرمی نسب و همکاران، ۱۳۹۸؛ جعفری مهرآبادی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ایران‌دوست و همکاران، ۱۳۹۳

مدل کسب و کار مناسب برای سکونتگاه های غیررسمی

محققان درباره انواع مدل های کسب و کار تقسیم بندی های مختلفی را انجام داده اند که برخی از مهمترین آنها عبارتند (چانگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ اوستروالد، ۲۰۱۳) از:

۱ (مدل های کسب و کار مبتنی بر راهبرد؛

۲ (مدل های کسب و کار مبتنی بر فناوری؛

۳ (مدل های کسب و کار الکترونیکی؛

۴ (مدل های فرآیندی کسب و کار؛

۵ (مدل های کسب و کار نوآورانه؛

۶ (مدل های کسب و کار "باز"؛

۷ (مدل کسب و کار پایدار.

اما از بین این مدل ها که بیان شده است مدلی که مناسب با محیط و شرایط و اوضاع ساکنین سکونتگاه های غیررسمی باشد مدل کسب و کار پایدار (ولز، ۲۰۱۳) است که در ادامه به توضیح و تفسیر این مدل می پردازیم.

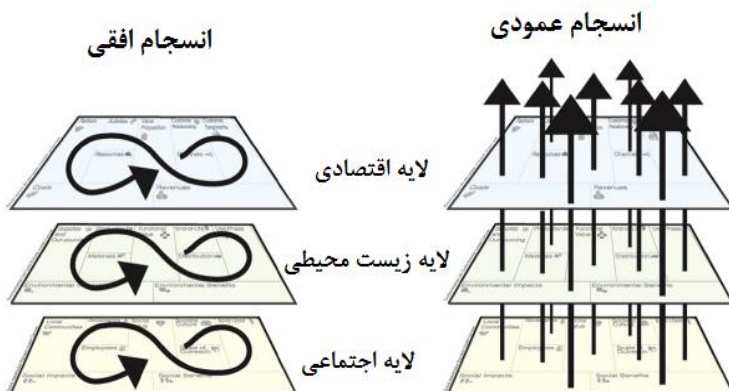
مدل کسب و کار پایدار

جوینس و پاکوین (۲۰۱۶) از اصطلاح مدل کسب و کار پایدار استفاده کرده اند. رویکرد مدل کسب و کار پایدار، موجب تنظیمات ساختاری کسب و کار برای موضوعات کلیدی پایداری (اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی) در مدیریت و تصمیم گیری می شود. با استفاده از این مدل کسب و کار، مدیران پی می برند که آیا اصول و راهبردهای پایداری، پیاده سازی شده است یا خیر و اگر بد اجرا شده است، در کدام قسمت مدل کسب و کار سازمان منعکس می شود.

نگاهی به ادبیات تحقیق نشان می دهد که نویسندگان مختلف، اجزای متنوعی را برای مدل های کسب و کار در نظر گرفته اند. واضح است ابعاد مشتری، محصول، بازار، مالی و زنجیره ارزش، با فراوانی بیشتری در تحقیقات و مدل های مختلف مورد استفاده بیان شده اند به گونه ای که آنجورین و راوی (۲۰۱۲) عنوان می کنند؛ مدل های کسب و کاری که شامل قابلیت های پویا باشند، بر انعطاف پذیری و کارایی سازمان اثر می گذارند و توانایی سازمان برای ایجاد، پیاده سازی و حفظ مدل کسب و کار پویا به این بستگی دارد که چگونه می تواند قابلیت و پویایی خود را افزایش دهد (انجوریان و راوی، ۲۰۱۲) .

مدل سه لایه ای یکی از انواع مدل های مبتنی بر پایداری است که از طریق تعیین و تعامل لایه های اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی به خلق ارزش های نوآورانه برای سازمان می پردازد، توضیح این لایه ها بشرح ذیل می باشد (جوینس و پاکوین، ۲۰۱۶).

لایه اقتصادی: بخشی از مدل مزبور است که ساختار کسب درآمدها، هزینه ها و نحوه تسهیم سود میان ذی نفعان را نشان می دهد. لایه زیست محیطی: بر اساس دیدگاه چرخه عمر، این لایه به بیان اثرات زیست محیطی فعالیت های شرکت می پردازد، به گونه ای که در آن میزان استفاده از منابع طبیعی، تولید گاز کربن دی اکسید و انواع آلودگی های صوتی و آب و هوا مطالعه می شود. لایه اجتماعی: در مدل سه لایه ای، لایه اجتماعی بر اساس رهیافت های مدیریت ذینفعان تعریف می شود و هدف از آن بررسی آثار اجتماعی سازمان است. این رویکرد در پی ایجاد توازن و تعادل میان منافع ذی نفعان سازمان و جامعه است به گونه ای که علاوه بر حداکثر منفعت برای ذی نفعان، در سطحی بالاتر برای جامعه نیز سودمند واقع شود (رفکین، ۲۰۱۴؛ بونز و فروند، ۲۰۱۳) .



شکل شماره ۱- لایه های مختلف مدل کسب و کار پایدار (جویس و پاکوین، ۲۰۱۶).

مدل های کسب و کار سکونتگاه های غیررسمی با تکیه بر پایداری

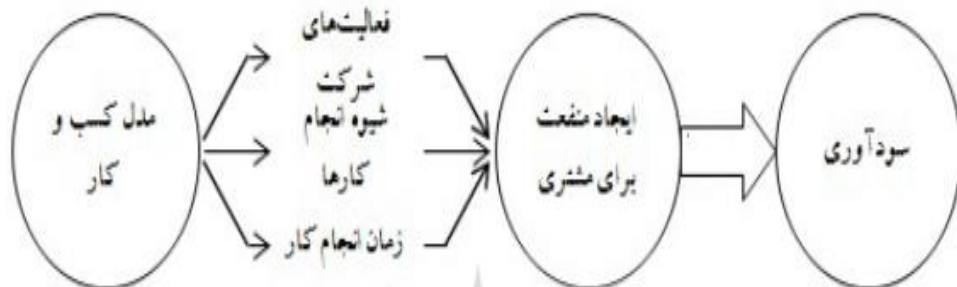
فشارهای رقابتی زیادی امروزه به کسب و کارها وارد شده است. کسب و کارها باید این فشار را از طریق کارآفرینی، توانمندسازی و ارائه محصولات و خدمات به شیوه نوآورانه کاهش دهند. (mohamadkazemi & etal; 2019) مفهوم مدل کسب و کار در طی زمان وسعت و کاربردهای بیشتری یافته است به طوری که حوزه تعریف آن به تدریج از یک بنگاه به شبکه ای از بنگاه ها توسعه یافته و از یک مفهوم تک بعدی مانند درآمدزایی به مفاهیم و کاربردهای پیچیده تر و چندبعدی مانند شبکه ارزش، مدل مالی، معماری عملیاتی و ارزش پیشنهادی به مشتمل و مخاطب گسترش پیدا کرده است و نهایتاً از انحصار موضوع به سازمان های خصوصی به کاربردهای متعدد در بخش عمومی کشیده شده است (والروانس و بالون، ۲۰۱۲). مدل های کسب و کار برای سکونت گاه های شهری که می تواند در ترسیم ساختاری کسب و کار نقش ایفا نمایند عبارتند از:

- 1) ماتریس مدل کسب و کار بالون (۲۰۰۹)؛ ۲) مدل فرآیندی آفوا و همکاران (۲۰۱۴)؛ ۳) مدل کسب و کار استروالدر و پیگنور (۲۰۱۰)؛ ۴) دیاز دیاز و همکاران (۲۰۱۷)؛ ۵) والروانس و بالون (۲۰۱۳).

مدل کسب و کار بالون: بالون (۲۰۰۹) ماتریس مدل کسب و کار را ارائه کردند که دارای ۴ بعد شبکه ارزش، مدل مالی، ساختار عملکردی و ارزش پیشنهادی است. در ترکیب دارایی ها هر نوع دارایی مشهود و نامشهود است که به یک سازمان کمک می کند تا اهدافش را محقق سازد همچنین سطح ادغام عمودی به عنوان میزان مالکیت و کنترل در مراحل پیاپی در زنجیره ارزش تعریف می شود. در بعد مالی، ساختار سرمایه گذاری، مدل درآمدزایی و مدل اشتراک درآمد مشخص می گردد. ساختار سرمایه گذاری این موضوع به سرمایه گذاری لازم (هزینه های سرمایه ای و هزینه های عملیاتی) و نهادهایی که در تأمین آن دخیل هستند مربوط می شود و در مدل درآمدزایی این موضوع به توازن میان مدل های درآمدزایی مستقیم و غیرمستقیم و همچنین، توازن میان مدل های درآمدزایی محتوا محور و انتقال محور مربوط می شود. در ساختار عملکردی، مشخص می گردد که ماژولار بودن به طراحی سیستم ها به عنوان مجموعه هایی از ماژولارهای مجزا از هم اشاره دارد که از طریق واسط ها یا رابطه ای از قبل تعیین شده به یکدیگر اتصال دارند. همچنین تعامل پذیری این موضوع به توانایی سیستم ها برای تبادل مستقیم اطلاعات و خدمات با سایر سیستم ها و همچنین، تعامل میان خدمات و محصولات تولید شده از منابع مرتبط می شود. در نهایت در بعد ارزش پیشنهادی، اینکه تئیهت موقعیت محصولات و خدمات به مسائل مربوط به بازاریابی از جمله برندینگ سکونتگاه غیررسمی، شناسایی مشتریان هدف در بازار، اعتمادسازی میان مشتریان، شناسایی محصولات و خدمات رقیب و شناسایی ویژگی های مرتبط با محصولات و خدمات اشاره دارد. در قسمت مشارکت کاربر، این موضوع به میزان مصرف کننده بودن یا تصرف کننده بودن کاربران اشاره دارد. ارزش موردنظر در اینجا، فهرستی از ویژگی ها و قابلیت های پایه که محصول یا سرویس دارا است یا قرار است کسب کند تهیه می شود که در مجموع، ارزش موردنظر برای مشتری را باعث می شود.

مدل فرآیندی آفوا و همکاران: آفوا و همکاران (۲۰۱۴)، مدلی فرآیندی ارائه دادند که در آن نسبت به سه جز فعالیت های شرکت، شیوه انجام کارها و زمان انجام کارها، تعیین تکلیف می گردد که انتظار می رود که این منجر به ایجاد ارزش برای مشتری و سودآوری برای کسب و کار شود (شکل شماره ۲).

شکل شماره ۲- مدل فرآیندی آفوا و همکاران (2014)



مدل کسب و کار استروالد و پیگنور: مدل کسب و کار استروالد و پیگنور (۲۰۱۰)، مدلی دوسویه است که شامل ۹ بخش می شود. در این مدل بیان می شود که شرکای اصلی با توجه به منابعی اصلی که به میان می آورند، فعالیت های عمده ای را برای گروهی از مخاطبان (مشتریان) ارائه می کنند. گردانندگان کسب و کار، از طریق ارتباط با مشتری و ایجاد کانال های توزیع، با گروه های مخاطب ارتباط برقرار می کنند و در نهایت انتظار می رود که این جریان منجر به خلق یک ارزش برای دوسویه مدل شود. این مجموعه بخش ها، دارای درآمد و هزینه هایی می باشد و لذا جریان درآمدی و ساختار هزینه شکل می گیرد (شکل شماره ۳).



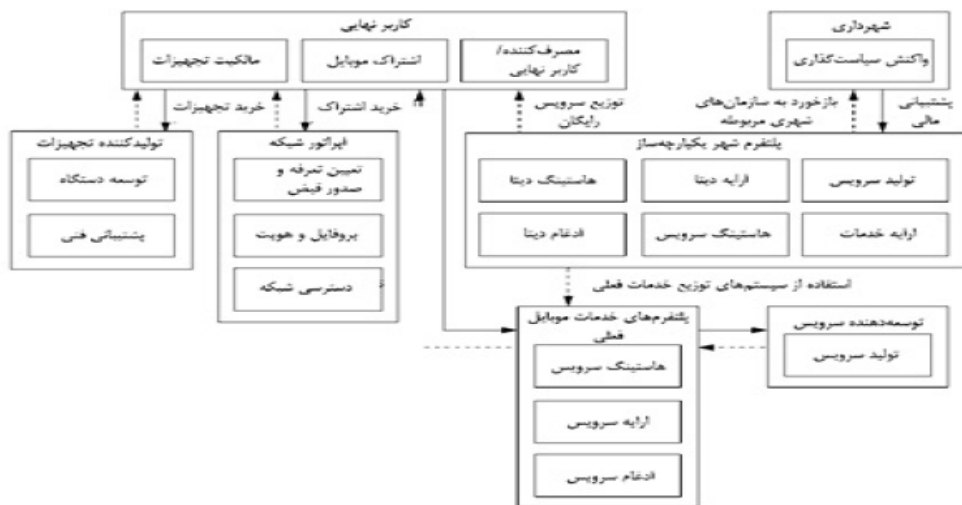
شکل شماره ۳- مدل استروالدر و پیگنور(2010)

مدل کسب و کار دیاز دیاز و همکاران: دیاز دیاز و همکاران(۲۰۱۷)، مدل کسب و کار استروالدر را توسعه دادند و در آن علاوه بر ۹ بخش قبلی، هزینه های اجتماعی و زیست محیطی و منافع اجتماعی را اضافه کرده اند. به بیان دیگر، از نگاه ایشان، مسئولیت اجتماعی و هزینه ها و منافع آن می بایست در مدل کسب و کار دیده شود (اوکتاریا و همکاران، ۲۰۱۷) (شکل شماره ۴).



شکل شماره ۴- مدل دیاز_دیاز و همکاران(2017)

مدل کسب و کار والروانس و بالون: والروانس و بالون (۲۰۱۳)، در پژوهشی دیگر، مدل‌سی به‌ارای کسب و کار مبتنی بر شهره‌شوندگی در شبکه ارتباطی شهر نیویورک ارائه کردند و در آن نقش شهرداری به عنوان بخش حاکمیتی درگیر در تعاملات را در این مدل کسب و کار مورد بررسی قرار دادند. (شکل شماره ۵).



شکل شماره ۵- مدل شبکه ارزش شهرداری والارونس و بالون(2012)

روش بررسی:

روش پژوهش از جنبه هدف کاربردی، از نظر گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای- میدانی، از نظر بازه زمانی گردآوری داده مقطعی و از منظر روش اجرای پژوهش تو صیفی از شاخه پیمایشی می باشد. جامعه آماری این مطالعه کلیه اساتید، صاحب نظران و فعالان حوزه توانمندسازی در سکونت گاههای غیررسمی و ستاد بازآفرینی شهری در سطح اجرایی و آموزشی می باشد که واجد پیشینه ی اجرایی در سطوح گوناگون بوده به عبارتی خبرگان آگاه محسوب می شوند. این جامعه شامل افرادی است که دارای آگاهی و اطلاعات مناسبی در عرصه ی سکونت گاههای غیررسمی؛ برجسته و صاحب نظر؛ و هم چنین قادر باشند با ارائه اطلاعات دقیق، نماینده ای از جامعه باشند.

جهت دستیابی به نمونه گیری مناسب با اهداف و فرضیات پژوهش در ابتدا میزان خطای نوع اول یا آلفا را ۰,۰۱ برسی گردید تا بتوان با این خطا به سطح اطمینانی معقول یا دقت یعنی ۹۹ درصد دست یافت. در ادامه خطای نوع دوم یا بتا ۰,۰۱ در نظر گرفته شد تا توان آزمون و به

عبارتی قدرت تعمیم پذیری نتایج به ۹۹ درصد که برای تعمیم پذیری نتایج کمی، نرخ فوق العاده مناسبی است، دست پیدا کرد. سپس بر مبنای نوع فرضیات که جهت دار بوده نسبت به استفاده از آزمون های تک دامنه اقدام گردیده و نیز محقق از طیف لیکرت ۵ درجه ای با انحراف معیار ۱ استفاده نمود و در نهایت برای اینکه اجازه استفاده از هر دو گروه نرم افزار های کواریانس محور و واریانس محور را دارا باشد اندازه ی اثر را مقدار متوسط ۰,۱۵ قرار داد تا علاوه بر قابلیت چاپ مطالعه در ژورنال های معتبر در انتخاب نرم افزار مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل نیز دست بالا داشته باشد. اگر چه هنسler ۲۰۰۹ بیان نمود که اندازه اثر ۰,۰۲، ۰,۱۵، ۰,۳۵ که سال ها پیش به عنوان سه مقدار کوچک، متوسط و بزرگ به ترتیب مشخص شده اند و دانش مندان بسیاری بر آن صحه گذاشته اند اکنون باید مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد (هنسler و همکاران، ۲۰۱۶). بر اساس ۱۰ عامل موثر بر حجم نمونه (مرادی و میرالماسی، ۲۰۲۰) محقق به حجم نمونه ای برابر با ۲۳۱ نفر رسیده است. که بر اساس نرم افزار نیز در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۴- پروتکل محاسبه حجم نمونه با نرم افزار GPOWER

[1] -- Wednesday, December 07, 2022 -- 01:27:23

F tests – Linear multiple regression: Fixed model, R² deviation from zero

Analysis: A priori: Compute required sample size

Input:	Effect size f ²	= 0.15
	α err prob	= 0.01
	Power (1-β err prob)	= 0.99
	Number of predictors	= 5
Output:	Noncentrality parameter λ	= 34.6500000
	Critical F	= 3.0995169
	Numerator df	= 5
	Denominator df	= 225
	Total sample size	= 231
	Actual power	= 0.9900128

ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه محقق ساخته بود که بعد از تعیین روایی و پایایی در بین گروه نمونه اجرا شد. روش جمع آوری اطلاعات به این صورت بود که تمامی افرادی که در فرایند فعالیت درسکونت گاه های غیر رسمی دارای تجربه و فعالیت بوده و همچنین ساکنین این مناطق

که در دوره های آموزشی شرکت کرده بودند شناسایی شده و سوالات پرسشنامه برای آنها ارسال گردید و بعد از گردآوری اطلاعات داده ها در نرم افزار SPSS وارد شد و در دو بخش توصیفی و استنباطی داده ها تحلیل شد .

یافته ها:

بر اساس وضعیت جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در فرایند پژوهش بر اساس جنسیت ۳۱ درصد مونث و ۶۹ درصد مذکر بوده و بر اساس وضعیت سنی بیشترین مشارکت کنندگان در دامنه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال با ۳۹ درصد بودند و کمترین دامنه سنی کمتر از ۳۰ سال در فرایند پژوهش مشارکت داشتند و بر اساس وضعیت تحصیلات بیشترین مشارکت کنندگان با ۴۲ درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناس ارشد بودند. بر اساس وضعیت شاخص های اندازه گیری کننده در بخش آمار توصیفی سوالات پرسشنامه سنجش شد و سوال ۲۱ فرم پرسشنامه که در راستای راستی آزمایی پاسخ دهندگان در بین سوالات درج گردیده بود، قبل از تحلیل ها از فرم حذف گردید. (محتوای سوال ۲۱- با توجه به سوالاتی که تا کنون پاسخ داده اید ، سوال پیش روی شما ، بیست و یکمین سوال از مجموعه سوالات پرسشنامه می باشد؟) مقادیر کمینه و بیشینه برای هر یک از شاخص های ۳۴ گانه در بازه ی مجاز ۱ تا ۵ قرار گرفته است و داده ی پرت در بازه مجاز تعیین شده مشاهده نگردید .

جدول شماره ۵- آمار توصیفی شاخص های اندازه گیری کننده متغیرها

Indexes	N	Minimum	Maximum	Mean	Skewness		Kurtosis		Indexes	N	Minimum	Maximum	Mean	Skewness		Kurtosis	
					Statistic	Std. Error	Statistic	Std. Error						Statistic	Std. Error	Statistic	Std. Error
Q1	212	1	5	3.92	-1.098	.167	1.239	.333	Q19	212	1	5	4.06	-.943	.167	1.085	.333
Q2	212	1	5	3.98	-1.000	.167	1.877	.333	Q20	212	1	5	4.14	-1.160	.167	2.631	.333
Q3	212	1	5	4.09	-1.123	.167	1.310	.333	Q21	212	1	5	4.23	-1.460	.167	3.680	.333
Q4	212	1	5	4.29	-1.136	.167	1.427	.333	Q22	212	1	5	3.89	-.654	.167	1.150	.333
Q5	212	1	5	3.90	-.886	.167	.419	.333	Q23	212	1	5	3.73	-.735	.167	-.120	.333
Q6	212	1	5	4.17	-1.180	.167	1.990	.333	Q24	212	1	5	4.20	-1.294	.167	2.545	.333
Q7	212	1	5	3.95	-.562	.167	.429	.333	Q25	212	1	5	4.06	-.802	.167	.634	.333
Q8	212	1	5	3.90	-.806	.167	.283	.333	Q26	212	1	5	4.24	-.461	.167	.520	.333
Q9	212	1	5	3.89	-.616	.167	-.351	.333	Q27	212	1	5	4.14	-.833	.167	.800	.333
Q10	212	1	5	4.01	-.788	.167	.978	.333	Q28	212	1	5	3.96	-.658	.167	.331	.333
Q11	212	1	5	3.67	-.699	.167	-.352	.333	Q29	212	1	5	4.13	-1.297	.167	2.447	.333
Q12	212	1	5	4.18	-1.097	.167	2.761	.333	Q30	212	1	5	4.27	-1.241	.167	2.868	.333
Q13	212	1	5	4.20	-1.076	.167	1.500	.333	Q31	211	1	5	4.31	-.359	.167	-.667	.333
Q14	212	1	5	4.36	-1.139	.167	2.862	.333	Q32	212	1	5	3.64	-.631	.167	-.146	.333
Q15	212	1	5	4.07	-.895	.167	.900	.333	Q32	212	1	5	3.84	-.413	.167	.193	.333
Q16	212	1	5	3.88	-.702	.167	-.157	.333	Q33	212	1	5	4.09	-.879	.167	2.093	.333
Q17	212	1	5	3.81	-.297	.167	-.165	.333	Q34	212	1	5	4.17	-.097	.167	3.449	.333

جدول شماره ۵- آمار توصیفی شاخص های اندازه گیری کننده متغیرها

اولویت بندی شاخص ها و متغیرهای موجود در مدل، از نظر اهمیت و عملکرد تحلیل نقشه اهمیت-عملکرد که تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد نیز نامیده می شود، شیوه ای است متفاوت جهت ارائه اطلاعات الگوی خروجی IPMA با هدف تعیین اهمیت نسبی سازه ها که در الگوی

PLS متمرکز شده است. در این جا محقق با در نظر گرفتن سازه درونرای نهایی (متغیر وایسته)؛ سازه هدف را در اجرای IPMA در نرم افزاز، متغیر مکنون پیامدها در نظر می گیرد. بر اساس نتایج پژوهش حاصل از تحلیل نقشه اهمیت-عملکرد، مقادیر جدول شماره ۵ نشان‌دهنده میزان اهمیت متغیرهای بعد دار شامل راهبردها، شرایط زمینه ای، شرایط علی، شرایط مداخله گر و پدیده اصلی بر پیامدها (سازه هدف) می‌باشد. به عنوان نمونه همان‌گونه که از جدول مذکور برمی‌آید راهبردها با ضریب اهمیت ۰,۶۶۵، بیشترین مقدار ضریب اهمیت را بر روی متغیر پیامدها دارد. و پس از آن پدیده اصلی با ضریب اهمیت ۰,۲۱۰ سازه با بیشترین اهمیت می باشد.

جدول شماره ۶- مقادیر ضرایب اهمیت متغیرهای مکنون مختلف مدل با توجه به متغیر هدف
Construct Total Effectsfor [پیامدها]

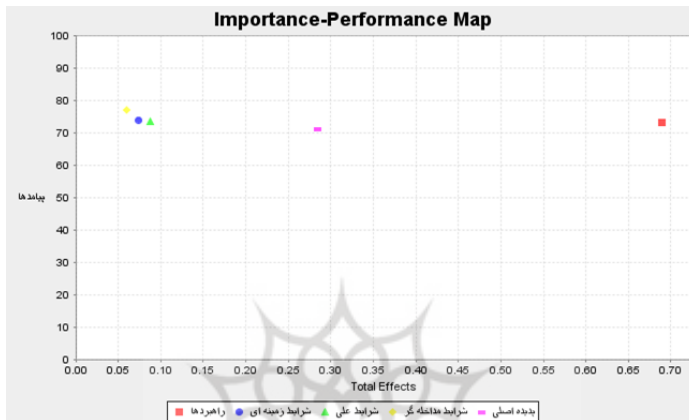
پیامدها	
راهبردها	0.665
شرایط زمینه ای	0.071
شرایط علی	0.087
شرایط مداخله گر	0.050
پدیده اصلی	0.210

جدول شماره ۷- مقادیر ضرایب عملکرد متغیرهای مختلف مدل با توجه به سازه هدف
Construct Performances for [پیامدها]

LV Performances	
راهبردها	73.311

شرایط زمینه ای	74.017
شرایط علی	73.507
شرایط مداخله گر	77.013
پدیده اصلی	70.975

هم چنین جدول شماره ۶- نشان دهنده آن می باشد که شرایط مداخله گر با مقدار ۷۷,۰۱۳ واجد بیشترین عملکرد با توجه به سازه هدف (پیامدها) می باشد.



شکل شماره ۶- نمودار اهمیت- عملکرد متغیرهای پژوهش موثر در سازه هدف پیامدها

شکل شماره ۶- نمودار اهمیت-عملکرد سازه های (متغیرهای مکنون) راهبردها، شرایط زمینه ای، شرایط علی، شرایط مداخله گر و پدیده اصلی را بر پیامدها نشان می دهد. افزایش یک واحد در عملکرد متغیر راهبردها که بیشترین ضریب اهمیت را دارد می تواند به میزان ۰,۶۶۵ امتیاز، عملکرد متغیر پیامدها را ارتقا بخشد.

جدول شماره ۷ و ۸ مقادیر ضرایب اهمیت و عملکرد را برای تمامی شاخص های مرتبط با متغیر هدف به ترتیب از بیشترین مقدار به کمترین مقدار ارائه نموده است.

جدول شماره ۸- ضرایب عملکرد تمامی متغیرهای آشکار (Manifest Variables) در ارتباط با متغیر پیامدها

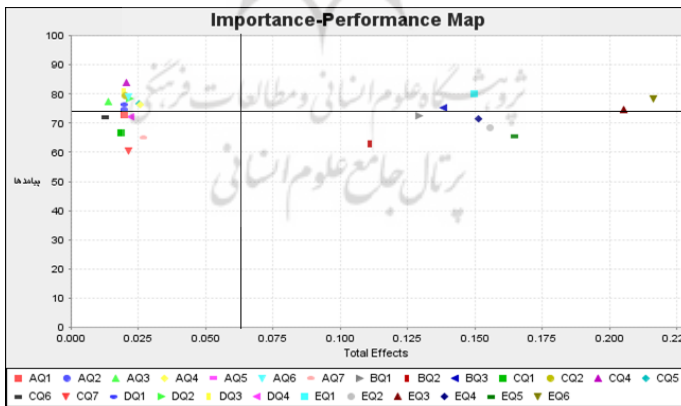
MV Performances		MV Performances	
CQ4	83.962	AQ2	74.528
DQ3	80.660	AQ1	72.995
EQ1	79.953	AQ5	72.524
CQ2	79.481	BQ1	72.524
AQ6	79.127	DQ4	72.170
DQ2	78.538	CQ6	71.934
EQ6	78.302	EQ4	71.384
AQ3	77.358	EQ2	68.553

CQ5	76.651	CQ1	66.863
DQ1	76.415	EQ5	65.409
AQ4	76.415	AQ7	65.094
BQ3	75.236	BQ2	62.893
EQ3	74.686	CQ7	60.377

جدول شماره ۹- ضرایب اهمیت تمامی متغیرهای آشکار (Mainfest Variables) در ارتباط با متغیر پیامدها

MV Importance		MV Importance	
EQ6	0.216	DQ2	0.022
EQ3	0.205	AQ6	0.021
EQ5	0.165	CQ7	0.021
EQ2	0.156	CQ4	0.021
EQ4	0.151	CQ2	0.020
EQ1	0.150	AQ1	0.020
BQ3	0.138	AQ5	0.020
BQ1	0.129	DQ1	0.020
BQ2	0.111	AQ2	0.020
AQ7	0.027	DQ3	0.020
AQ4	0.026	CQ1	0.019
CQ5	0.025	AQ3	0.014
DQ4	0.022	CQ6	0.013

در شکل شماره ۷ نمودار نقشه اهمیت - عملکرد تمام سنجه‌ها (متغیرهای آشکار) در ارتباط با متغیر هدف پیامدها ارائه گردیده است



شماره ۷- نمودار نقشه اهمیت - عملکرد تمام سنجه‌ها (متغیرهای آشکار) در ارتباط با متغیر هدف پیامدها

همان گونه که مشاهده می شود ماتریس IPA یا همان ماتریس دو بعدی اهمیت عملکرد از چهار قسمت یا ربع تشکیل شده است: ربع اول: که ادامه استراتژی فعلی برای شاخص های

مستقر در آن پیشنهاد می‌گردد شامل ۴ شاخص) BQ3 پتانسیل آسیب‌های اجتماعی (، EQ1 توسعه مشاغل خانگی بانوان (، EQ3 آموزش افراد) و EQ6 سرمایه‌گذاری و تخصیص بودجه مناسب) می‌باشد. ربع دوم: که نشان‌دهنده اتلاف منابع می‌باشد شامل ۱۱ شاخص) AQ2 ضعف نقش تسهیلگری (، AQ3 عدم نظارت قانونی (، AQ4 فقدان سرمایه (، AQ6 فقر اقتصادی (، AQ7 ضعف مدیریتی در ارائه سرانه‌های خدماتی و سایر مولفه‌های شهری (، CQ2 عدم نظارت سیستماتیک (، CQ4 نرخ بیکاری بالا (، CQ5 فقدان توزیع مناسب ثروت‌های اجتماعی (، DQ1 بهره‌گیری از افراد آموزش‌دیده (، DQ2 بهره‌گیری از نیروی جوان (، DQ3 ارتقای نرخ مشارکت بانوان). ربع سوم: که نشان‌دهنده لزوم الویت‌های بهبود و سرمایه‌گذاری برای خروج از حیطه ضعف می‌باشد شامل ۵ شاخص) EQ5 اعتماد به سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت خیرین و مردم (، EQ2 توسعه کسب و کارها با تسهیل در صدور مجوزها (، EQ4 توانمندسازی مهارتی (، BQ1 مهاجرت بی‌رویه) و BQ2 فقدان اعتماد به نهادهای دولتی) می‌باشد. شاخص‌هایی که اهمیت بالایی دارند ولی از عملکرد پایینی برخوردار می‌باشند. ربع چهارم: نشان‌دهنده هم‌اهمیت پایین و هم‌عملکرد پایین می‌باشد شامل ۶ شاخص) AQ1 بیکاری (، AQ5 عدم توجه به گسترش تعاونی‌های روستایی (، CQ1 فقدان شرایط اشتغال (، CQ7 عدم اهتمام کارشناسان به امر توسعه (، CQ6 مشاغل کاذب سطح پایین) و DQ4 پیگیری نهادهای ذی‌ربط) می‌باشد. شکاف اصلی در مدل تجزیه و تحلیل اهمیت-عملکرد ربع دوم و ربع سوم است. اگر بیشتر شاخص‌ها در ربع دوم قرار گرفته باشد که در این جا ۱۱ شاخص در این قسمت تجمیع شده است، یعنی روی شاخص‌هایی سرمایه‌گذاری شده است که ارزش‌چندانی ندارند و عملکرد در زمینه شاخص‌های بی‌اهمیت بالا است. اگر بیشتر شاخص‌ها در ربع سوم قرار گرفته باشد یعنی سازمان در زمینه شاخص‌هایی که اهمیت بالایی دارند عملکرد ضعیفی دارد. استراتژی بایست در صدد آن باشد که اولاً عناصراً از ربع سوم به ربع اول منتقل کند و تمامی عناصر ربع دوم و چهارم را حذف کند.

بحث و نتیجه‌گیری: شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران با وجود ویژگی‌های منحصر به فرد خود و تفاوت‌هایی که با سایر کشورهای در حال توسعه دارد ریشه در توسعه برون‌زا و رشد بسیار سریع شهرنشینی دارد (سهم‌پور و معروف‌نژاد، ۱۴۰۰). در این راستا،

رفع مشکلات ناشی از اسکان غیر رسمی، از چالش‌های مهم و مسائل حاد پیش روی برنامه ریزان و مدیران شهری است که با اتخاذ راهبردهایی اثربخش جهت ساماندهی پدیده اسکان غیر رسمی اقدامات عملیاتی صورت گیرد. در سکونتگاه‌های غیر رسمی مورد مطالعه، جایی که چالش‌های فراوانی پیش روی داشتند، در عین حال فرصت‌هایی برای معیشت وجود دارد که می‌تواند این‌گونه جوامع را ارتقا دهد.

یکی از شاخص‌های مرتبط با سکونت‌گاه‌های غیر رسمی مشاغل کاذب سطح پایین می‌باشد که بر اساس نقشه عملکردی در ربع چهارم قرار گرفته و در سطح پایینی بوده و بایست حذف گردد. در عین حال بایست مشاغل جایگزین برای آن در نظر گرفت و این مهم تنها توسط ارائه آموزش‌های مهارتی و فنی و حرفه‌ای امکان پذیر خواهد بود. نکته مهم این می‌باشد که آموزش‌هایی که توسط آموزش فنی و حرفه‌ای در این مناطق اجرا می‌گردد بر اساس نیازسنجی آن‌هم از تجمیع نظرات دستگاه‌های مختلفی که در این مناطق فعالیت دارند رقم می‌خورد. با توجه به بررسی سه‌ساله آموزش‌های مهارتی این مناطق رویکرد به سمت آموزش‌های مشاغل خانگی و هم‌چنین توانمندسازی بانوان بوده که با نتایج پژوهش هم‌سو می‌باشد چرا که شاخص‌های توسعه مشاغل خانگی بانوان و آموزش افراد در ربع اول بوده و لزوم ادامه استراتژی فعلی بر آن‌ها حاکم می‌باشد. بر همین اساس نیاز است برای خروج از بحران بیکاری خوداشتغالی را مورد تاکید قرار داد (حسن زاده و احمدی، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر با توجه به آموزشی نظیر دوخت‌گان‌های بیمارستانی و لباس ایزوله، به نظر می‌رسد آن‌چه مغفول مانده حضور دستگاه‌هایی می‌باشد که در این راستا می‌تواند با ارائه سفارشات خود به ساکنان این مناطق هم‌باب ورود آموزش‌های جدیدی را برای ساکنان این حوزه باز نموده و هم‌ایجاد منابع درآمدی جدیدی برای افراد داشته و احتمالاً با هزینه کمتری هم محصول خود را دریافت نمایند. هم‌چنین علیرغم فعالیت آموزش‌های مهارتی در این خطه‌ها؛ قطعاً با توجه به محدودیت منابع مالی در دستگاه ارائه‌دهنده خدمات آموزشی (حال هر دستگاه خدمت‌رسانی که می‌خواهد فعالیت نماید) به آموزش‌های مهمی نظیر مهارت‌های نرم، مهارت‌های بازاریابی و مهارت کارافرینی پرداخته نشده است. بدیهی است با توجه به این که شاخص سرمایه‌گذاری و تخصیص بودجه مناسب در ربع اول قرار گرفته، لذا بایستی قسمتی از این منابع به این سمت سوق یابد تا بتواند خلا آموزش‌های این‌چنینی را پر نماید. به عبارتی به

صراحت می توان بیان نمود که سکونتگاه های غیر رسمی در عین مشکلات خود می توانند به عنوان نردبانی برای خروج از فقر تلقی گردند. با توجه به یافته ها و شاخص های نقشه راه اهمیت-عملکرد می توان نسبت به موارد ذیل به عنوان ظرفیت بالقوه کسب و کارهای این حوزه تامل داشت :

- تولید در مقیاس کوچک: ارائه زمینه مالکیت به ساکنان سکونتگاه های غیررسمی که می تواند آنها را برای ساخت خانه های پایدار و سرمایه گذاری در مشاغل کوچک توانمند کند. وام های خرد می توانند به افراد کمک کنند تا مشاغلی مانند غرفه های مواد غذایی، خیاطی یا تولید در مقیاس کوچک را شروع یا گسترش دهند.
- بازارها و خدمات محلی: راه اندازی فروشگاه های کوچک، غرفه های مواد غذایی، یا خدمات تعمیرات در داخل مناطق می تواند درآمدزایی داشته باشد. این مشاغل نیازهای فوری ساکنان را نیز برآورده می کنند.
- کشاورزی، باغداری، پرورش طیور در وسعت کوچک : استفاده از فضای موجود برای کشاورزی و محصولات باغی یا پرورش طیور می تواند محصولات تازه ای به بار آورده، موارد مصرف ساکنین را تولید و نیز ساکنان می توانند محصولات مازاد را به فروش رسانده و کسب درآمد داشته باشند.
- مشاغل خانگی با محوریت بانوان
- تسهیلمان آموزشی : بستر سازی برای به ثمر رساندن افرادی که بتوانند به صورت مستمر ارائه دهنده آموزش های مورد نیاز منطقه خود باشند. این حوزه گسترده بوده و مثلا می تواند حتی تسهیلمان بهداشتی را نیز پوشش دهد.
- تولیدات وابسته به سازمان یا نهادها اعم از دولتی یا غیر دولتی : اقدام به فعالیت های تولیدی برای متولیان که نیاز به موارد خاصی دارند نظیر البسه بیمارستانی، البسه سربازی و

به یاد داشته باشیم، بهترین رویکرد به زمینه خاص هر سکونتگاه غیررسمی بستگی دارد. راه حل ها باید برای رفع نیازهای محلی و توانمندسازی ساکنان برای شکوفایی طراحی شوند.

ایجاد کسب و کار و کارآفرینی برای ساکنین در این مناطق با تاکید بر کسب و کارهای کوچک و متوسط و فرصت سازی برای راه اندازی کسب و کار در این مناطق نه تنها منجر به استقلال مالی در بین ساکنین خواهد شد همچنین می‌تواند به رونق اقتصادی در سطح منطقه کمک و به بهبود روند زندگی ساکنین منجر گردد. در نگاهی به اهمیت کسب و کارهای کوچک و متوسط در اقتصاد کشورها از نظر تعداد می‌توان گفت که کسب و کارهای کوچک و متوسط در صد بالایی از تعداد کل صنایع را شامل می‌شود. به عنوان نمونه تقریباً ۱۹ میلیون واحد معادل ۹۹٫۸ درصد کسب و کارهای موجود در اتحادیه اروپا را کسب و کارهای کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند. در حالی که در امریکا بالغ بر ۹۹ درصد و در ژاپن رقم مشابهی ملاحظه می‌گردد (هاشمی، ۱۳۹۶). در همین راستا آلورز و بارنی (۲۰۱۴) معتقد هستند که کارآفرینی به عنوان راهبردی برای کاهش فقر در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و ورود افراد فقیر به حوزه کارآفرینی می‌تواند باعث بهبود رفاه افراد فقیر گردد. پژوهش‌ها حاکی از آن است که اهمیت کسب و کارهای کوچک در سطح جهان قابل‌تأمل است (استریپکس، ۲۰۱۱). و از طرفی فشارهای رقابتی زیادی که امروزه به کسب و کارها وارد شده است؛ لزوم توجه به کارآفرینی، توانمند سازی و ارائه محصولات و خدمات به شیوه نوآورانه را دوجندان نموده است (محمد کاظمی و همکاران، ۱۴۰۰).

توسعه مشاغل در سکونتگاه‌های غیررسمی مستلزم درک جامعی از شرایط محلی، از جمله ویژگی‌های فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی منطقه است. این درک برای تطبیق استراتژی‌های تجاری برای پرآوردن نیازها و محدودیت‌های منحصر به فرد سکونتگاه‌های غیررسمی بسیار مهم است. در پژوهش صورت پذیرفته نیز همان گونه که در نقشه IPMA مشاهده شد شاخص فقدان توزیع مناسب ثروت‌های اجتماعی در ربع دوم قرار گرفته و بایست نسبت به کنترل این شاخص و حذف آن اقدام نموده و توزیع عادلانه خدمات و منابع اتفاق افتد. این مهم با یافته‌های حصری و چکانیازار در سال ۲۰۱۳ بر روی شهر بناب که اهمیت در نظر گرفتن این شاخص‌های متنوع را برای رسیدگی به توزیع ناعادلانه خدمات و منابع نشان می‌دهد همخوانی دارد. هنگامی که صحبت از شرایط محلی می‌شود شاخص‌هایی هم چون شاخص پتانسیل آسیب‌های اجتماعی، توسعه مشاغل خانگی بانوان، آموزش افراد که در ربع اول بوده و بایست رویکرد فعلی را در قالب توسعه یافته تری برای آنها ادامه داد. هم چنین شاخص

هایی نظیر توسعه کسب و کارها با تسهیل در صدور مجوزها، توانمند سازی مهارتی در شرایط محلی قرار می‌گیرند که با توجه به اینکه در ربع سوم می‌باشند بایستی با ایجاد یک رویکرد مناسب در صدد بهبود و ارتقای آن‌ها برآمد.

شکافهای آموزشی و مهارتی: فقدان آموزش و مهارت در میان جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی توانسته توانایی افراد را برای شروع و رشد یک تجارت محدود کند. این شامل مهارت‌های مدیریت کسب و کار و مهارت‌های فنی مربوط به صنایع خاص می‌شود. به همین دلیل آموزش افراد به عنوان شاخصی مهم نقش پر رنگی می‌یابد بر همین اساس وجود آموزش علی‌الخصوص آموزش‌های مهارتی می‌تواند در بهبود و توسعه سیمای کسب و کار مناطق تاثیر گذار باشد و این یافته‌ها با نتایج پژوهش دانسیو و همکاران (۲۰۱۸) که اظهار داشتند دسترسی به دانش اولیه برای توسعه پایدار در سکونت‌گاه‌های غیر رسمی الزامی است همخوانی دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. منابع:
۲. اسدی، احمد، (۱۳۸۹). چگونگی شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیررسمی در پاکدشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)، صفحه ۵.
۳. ایراندوست، کیومرث، عزیزاده، هوشمند، خسروانین، لیلا و روح‌الله تولایی (۱۳۹۲). گونه‌شناسی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای کردستان، مطالعه تطبیقی شهرهای سنندج و کرمانشاه، نامه معماری و شهرسازی، (۱۰): ۹۲-۱۰۶.
۴. ایراندوست، کیومرث؛ اعظمی، محمد؛ تولایی، روح‌الله (۱۳۹۳). شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ۶(۲۱): ۴۳-۶۰.

۵. باقری، نسرین و خانی، محمود (۱۳۹۸). تاثیر حاشیه نشینی بر احساس امنیت عمومی با رویکرد پیشگیری اجتماعی (مورد مطالعه: شهر خرم آباد)، دانش انتظامی انتظامی لرستان ۷(۳): ۲۵۸-۱۷۷.
۶. پاک نژاد، نوید (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی تجارب جهانی در سیاستگذاری های ساماندهی اسکان غیر رسمی. مهندسی ساختمان و علوم مسکن، ۱۳(۲۳): ۱۳-۲۱.
۷. جعفری مهرآبادی، مریم؛ سجودی، مریم؛ امامی، سیده فاطمه (۱۳۹۷). بررسی ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی سکونت گاه های غیر رسمی (مطالعه موردی: محله عینک شهر رشت). نشریه راهبرد توسعه، پیاپی ۵۴ (تابستان ۱۳۹۷)، ۸۶-۱۱۶.
۸. حاتمی نژاد، حسین؛ منوچهری میانداوب، ایوب؛ بهارلو، ایمان ابراهیم پور، احد و حاتمی نژاد، حجت (۱۳۹۱). شهر و عدالت اجتماعی، تحلیل برنامه نابرابری های محله های (مطالعه موردی: محله های قدیمی شهر میانداوب)، فصلنامه پژوهش جغرافیای انسانی، ۴۴(۸۰): ۶۳-۴۱.
۹. حاج یوسفی، علی (۱۳۸۱). حاشیه نشینی شهری و روند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی) نشریه هفت شهر، ۱(۸)، ۱۲-۲۴.
۱۰. حسن زاده حبیب الله، احمدی سید جمیل (۱۳۹۵). مقایسه قابلیت کارآفرینی کارآموزان مراکز آموزش فنی و حرفه ای و هنرستان های فنی و حرفه ای. مهارت آموزی. ۵(۱۸): ۷۴-۶۳.
۱۱. حکیمی، هادی؛ الهامی، نسزین؛ پورحسینی، مهدیه (۱۳۹۷). ارزیابی و رتبه بندی توزیع خدمات شهری در سکونتگاه های غیررسمی مطالعه موردی: کلان شهر تبریز. فصلنامه شهر پایدار، ۱(۴): ۵۷-۷۱.
۱۲. حیدری نوشهر، مهتری (۱۳۹۰) بررسی عوامل موثر بر حاشیه نشینی و بازتاهای آن، با تاکید بر کاربری خدمات شهری، جغرافیایی زمین، ۸(۳۱): ۳۱-۴۹.
۱۳. داداشپور، ه و علیزاده، ب (۱۳۹۰). اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین، انتشارات آذرخش، چاپ اول، تهران.
۱۴. سهم پور، حسن و معروف نژاد، عباس (۱۴۰۰). واکاوی میزان رضایت مندی ساکنان سکونتگاه های غیررسمی با استفاده از مدل کداس (نمونه موردی: شهر بندر امام خمینی)، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۰(۴۰): ۲۱-۴۰.
۱۵. شیعه، اسماعیل (۱۳۷۹). بررسی آثار اجرای برنامه های صنعتی در ساختار کالبدی (۷۵-۱۳۴۰)، رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده - فضایی شهرهای ایران؛ نمونه: اراک هنرهای زیبا.
۱۶. غفاری غلامرضا، امید، رضا (۱۳۹۰) گذار از دستگاه مفهومی فقر به سازه رانده شدگی اجتماعی، توسعه اجتماعی، ۲(۴) ۳۵-۶۶.

۱۷. قادری، رضا، امیدوارفر، سجاده، صمدی، رضا، بدلی، سجاده (۱۳۹۷). تحلیل تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی در فرایند شکل‌گیری مناطق حاشیه نشین و راهکارهای رویایی با این پدیده با تاکید بر توانمندی سازی، پژوهش در هنر - علوم انسانی، ۲۲-۱۳.

۱۸. کرمی نسب، صدیقه؛ شهبازی، حسین رضا؛ سلیمی سبحان، محمدرضا (۱۳۹۸). تحلیل علل پایایی قانون‌های اسکان غیررسمی در پیرامون کلانشهر شیراز. مجله توسعه فضاهای پیراشهری، ۲(۱): ۴۳-۵۶.

۱۹. کمان‌رودی، م (۱۳۸۵). ناکارایی ساختار مدیریت شهری ایران در سامان‌دهی اجتماعات غیررسمی - نمونه: منطقه ۶ شهرداری تهران، فصلنامه معماری و شهرسازی و معماری آبادی، شماره ۱۶.

۲۰. محلوچی، مهرداد؛ خادم‌الحسینی، احمد؛ صابری، حمید و رحمتی، صفر قانده (۱۴۰۰). ارزیابی عوامل مؤثر بر زیست-پذیری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی، مطالعه منطقه ۱۴ شهر اصفهان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۰(۴۰): ۷-۲۰.

۲۱. مصلی نژاد، غلام عباس (۱۳۸۴). دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، انتشارات قومس.

۲۲. نیک نام، جواد؛ موسوی، عارف (۱۳۸۹). بررسی مشکلات و مسائل سکونتگاه‌های غیررسمی، کتاب دیجیتال منتشر شده توسط سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور. تهران.

۲۳. محمد کاظمی، رضا؛ طالبی، کامبیز؛ داوری، علی، دهقان نجم آبادی، عامر (۱۴۰۰). توانمندسازی کسب و کارهای کوچک. متوسط دانش بنیان با رویکرد دیمتل، فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران، ۱۶ (61).

۲۴. صادقی اردوبادی، بهنام، محمد کاظمی، رضا، حسین نیای، غلامحسین. (۱۴۰۱). طراحی الگوی مفهومی توسعه اکوسیستم کسب و کارهای دیجیتالی مبتنی بر مطالعات علم سنجی. فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران، ۱۷(۶۸): ۱۳۳-۱۵۵.

25. Allen, adriana. (2003), "Environmental planning and management of the peri-urban interfact: perspective on emerging field, vol 15, NO1.
26. Anklesaria. S., (2002). Improving Urban Shanty Towns, Architecture Week, 21 August 2002, Retrieved from http://www.architectureweek.com/2002/0821/building_1-1.html.
27. Behroozi, Mohammad, (2014); A Survey about the Function of Technical and Vocational Education: An Empirical Study in Bushehr City, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume 143, 14 August, 2014, Pages 265-269.
28. Buhaug, H., & Urdal, H (2012). An urbanization bomb? Population growth and social disorder in cities. *Global Environmental Change*, 23, 1-10. <http://dx.doi.org/10.1016/j>.
29. Chiabrando, F., Colucci, E., Lingua, A., Matrone, F., Noardo, F., Spanò, A., (2018). A European interoperable database (EID) to increase resilience

- of cultural heritage, in: *International Archives of the Photogrammetry, Remote Sensing and Spatial Information Sciences*, Volume XLII-3/W4, Istanbul, Turkey, 151–158.
30. Cohen, B. (2006). Urbanization in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability.
 31. Danciu, M. I., Irimie, S., Muntean, C. T., & Irimie, S. I. (2018). Sustainable development of marginalized urban areas by applying knowledge-based public policies. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 238, 485-491.
 32. Henseler, J., Hubona, G. and Ray, P.A. (2016), "Using PLS path modeling in new technology research: updated guidelines", *Industrial Management & Data Systems*, Vol. 116 No. 1, pp. 2-20. <https://doi.org/10.1108/IMDS-09-2015-0382>
 33. Hesari, A.R., & Chekaniazar, M. (2013). Neighbourhood Classification and Organization of Informal Settlements Using Development Method of Morris (Case Study: Bonab City).
 34. Hess, G.R. (2001), "Just what is Sprawl, Anyway, www.ncsu.edu.
 35. Kovacic, Z., Smit, S., Musango, J. K., Brent, A. C., & Giampetro, M. (2016). Probing uncertainty levels of electrification in informal urban settlements: A case from South Africa. *Habitat International*, 56, 212-221.
 36. Langat, K., Omboto, D. B., Ambuli, A. M., & Ngeno, J. K. (2021). The Impact of Instructor Competencies on Training Effectiveness: A Survey of Public Vocational Technical Institutions in Kenya. *Kenyan Journal of Technical and Vocational Education and Training*, 2.
 37. Li, G., Kou, C., Wang, Y., & Yang, H. (2020). System dynamics modelling for improving urban resilience in Beijing, China. *Resources, Conservation and Recycling*, 161, 104954. doi:10.1016/j.resconrec.2020.104954.
 38. Miheretu, B. A. (2011). Causes and consequences of rural-urban migration: the case of Woldiya town, North Ethiopia (Doctoral dissertation, University of South Africa).
 39. Montoya, J., Cartes, I., & Zumelzu, A. (2020). Indicators for evaluating sustainability in Bogota's informal settlements: Definition and validation. *Sustainable Cities and Society*, 53, 101896.
 40. Moradi, M., & Miralmasi, A. (2020). Pragmatic research method. (F. Seydi, Ed.) (1st ed.). Tehran: School of quantitative and qualitative research. Retrieved from <https://analysisacademy.com/>
 41. Mohammadkazemi, Reza, Nikraftar, H. Yadollahi Farsi, J. Ahmadpour, M. (2019). The Concept of International Entrepreneurial Orientation in Competitive Firms: A Review & A Research Agenda. *International Journal of Entrepreneurship*, Volume 23, Issue 3, 2019.
 42. Rebecca Enobong, R., and Ogochukwu, O. (2018). Measuring the Socio-Economic Impact of Forced Evictions and Illegal Demolition; A Comparative Study Between Displaced and Existing Informal Settlements, *The Social Science Journal*, in Press, Corrected Proof, Available Online 27 December 2018.

43. Revi, A., Satterthwaite, D., Arago´ n-Durand, F., Corfee-Morlot, J., Kiunsi, R.B.R., Pelling, M., Roberts, D., Solecki, W., Pahwa Gajjar, S., & Sverdlik, A. (2014). Chapter 8: Urban areas in field. In *Climate Change 2014: Impacts, Adaptation, and Vulnerability. Part A: Global and Sectoral Aspects. Contribution of Working Group II to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change*, (Cambridge University Press), 535–612.
44. Roy, D., Lees, M. H., Palavalli, B., Pfeffer, K., & Sloot, M. P. (2014). The emergence of slums: A contemporary view on simulation models. *Environmental modelling & software*, 59, 76-90.
45. Satterthwait ‘Daivid and Tacoli ‘Cecilia. (2003), "The Role of Small and Intermediate Urban Centers in Rural and Regional Development and Poverty Reduction" International Institute for Environment and Development.
46. Satterthwaite, D., Archer, D., Colenbrander, S., Dodman, D., Hardoy, J., Mitlin, D., & Patel, S. (2020). Building resilience to climate change in informal settlements. *One Earth*, 2(2), 143-156.
47. Smits, J., Mulder, C. H., & Hooimeijer, P. (2003). Changing gender roles, shifting power balance and long-distance migration of couples. *Urban Studies*, 40(3), 603-613.
48. Wallis, J., & Dollery, B. (2002). Social capital and local government capacity. *Australian Journal of Public Administration*, 61(3), 76-85.
49. Wekesa, B. W., Steyn, G. S., & Otieno, F. F. (2011). A review of physical and socio-economic characteristics and intervention approaches of informal settlements. *Habitat international*, 35(2), 238-245.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی